دوغارون؛ دروازه مهاجرت معکوس

روایتی از نقطه صفر مرزی ایران با افغانستان که این روزها شاهد بازگشت اتباع به کشورشان است

گزارش روز

مرز غربت عجیبی دارد. اصلا هرجایی که قرار باشد آدم از کسی یا چیزی دل بکند، غریب است. می خواهد فرودگاه، راه آهن یا ترمینال باشد یا حتی نقطه صفر مرزی کشوری با کشور دیگر. این روزها مرز دوغارون در خراسان رضوی، میزبان هزاران نفر از مهاجران افغانستانی غیرمجاز است که در حال خروج از ایران هستند و به وطن خود بازمی گردند؛ وطنی که خیلی هایشان آن را ندیده اند و احتمالا تنها نامش را شنیده اند، اما حالا در دوغارون هستند و باید از خاطراتشان در ایران دل بکنند و به خانه بازگردند. انگار باد با قدرت بیشتری در مرز می وزد، خاک را بلند می کند، می چرخاند و می نشاند روی اسباب و وسایل ناچیز مهاجران افغانستانی غیرمجاز. هرکسی با خودش چیزی آورده است؛ دختربچه ها عروسک های رنگارنگشان را، پسرها توپ و تفنگ های پلاستیکی شان را و مادرها ضروری ترین چیزهایی که لازم است، با خود گرفته اند. اما پدرها فرق دارند؛ آن ها ذهنی پر از تشویش و نگرانی را با خود به دوغارون آورده اند، به روزهای پیش رو فکر می کنند؛ به بیکاری، فقر و چیزهای دیگر. اما همه شان یک امید در دل دارند؛ امید بازگشت به خانه. سیل مهاجران افغانستانی غیرمجاز از ایران و پاکستان در حالی به افغانستان سرازیر می شود که نهادهایی مثل سازمان ملل متحد درباره بیکاری و فقر در افغانستان زیر نظر اداره طالبان هشدار داده اند؛ هشدارهایی که پدران خانواده را نگران تر می کند.

بازدید میدانی از دوغارون

من به همراه جمعی از خبرنگاران مشهدی برای دیدن آنچه این روزها در مرز دوغارون می گذرد، به نقطه صفر مرزی رفتیم؛ جایی که در روزهای گذشته میزبان هزاران نفر از مهاجران افغانستانی «غیرمجاز» بود که برای بازگشت به کشورشان از این راه گذشته اند و آن طور که به نظر می رسد، این پایان راه نیست و در روزهای پیش رو شمار بیشتری از مهاجران افغانستانی غیرمجاز برای بازگشت به کشورشان، از این مسیر خواهند گذشت. ازسوی دیگر، حضور پرشمار مهاجران افغانستانی غیرمجاز در مرز دوغارون باعث شده است گزارش های متفاوتی از آنچه بر آن ها در مرز می گذرد، در فضای مجازی دست به دست شود؛ گزارش هایی که نیاز به راستی آزمایی دارد.

اداره کل اتباع خارجی استان خراسان رضوی با همکاری شهرداری تایباد و دیگر دستگاه های اجرایی، امکاناتی نظیر آب آشامیدنی سرد، درمانگاه برای رسیدگی به بیماران احتمالی، ایجاد سایبان هایی برای حفاظت خانواده ها ازگرمای داغ دوغارون، افزایش تعداد سرویس بهداشتی، نصب و راه اندازی چند کولر آبی و استقرار اتوبوس هایی به منظور انتقال مهاجران از محل اتمام کارهای اداری تا نقطه صفر مرزی و امکانات این چنینی دیگر را برای مهاجران در مرز تعبیه کرده اند. اما مهاجران حاضر در دوغارون می نشینید می گویند که امکانات مهیا شده در مرز برای جمعیت انبوه مهاجران کافی نیست و آن ها برای اقامت چندساعته شان در مرز ایران، نیازمند امکانات رفاهی بیشتری هستند؛ موضوعی که باعث شده است رسانه های فارسی زبان خارج نشین، از آن، سوءاستفاده و تلاش کنند که میزبانی جمهوری اسلامی ایران از مهاجران افغانستانی را در طول چهار دهه گذشته زیرسؤال ببرند.

بعضی مهاجران افغانستانی که در مرز دوغارون حضور دارند، گلایه هایی هم دارند، اما عمق دوستی میان مردم ایران و افغانستان را وقتی می فهمید که پای حرف های مهاجرانی می نشینید که پس از سال ها زندگی با برادران و خواهران هم زبان ایرانی شان، حالا مجبور به ترک کشور هستند.

یکی از آن ها زنی است که با سه بچه و همسرش، خود را به دوغارون رسانده و درحالی که بغض گلویش را گرفته است، می گوید: «وقتی داشتیم می آمدیم، همسایه ایرانی مان گریه کرد و ۵ میلیون تومان برای کرایه راه به ما کمک کرد».

این واقعیت رابطه مردم ایران و افغانستان است؛ رابطه ای که ریشه در تاریخ دارد، ریشه در زبان مشترک دارد، ریشه در شاهنامه فردوسی دارد؛ ریشه ای که قدرتمند است و محکم.

افغان ستیزی، مردود است

امیرا... شمقدری، معاون امنیتی و انتظامی استانداری خراسان رضوی که همراه خبرنگاران به دوغارون آمده است، در جمع آن ها گفت که از مجموع ۴۹۰ هزار تبعه افغانستانی غیرمجاز که تا ۱۳ تیرماه از مرز دوغارون ازکشور خارج شده اند، ۱۸۰ هزار نفر مربوط به خراسان رضوی بوده است. همچنین خروج ۶۷ درصد از اتباع افغانستانی غیرمجاز از مجموع سه مرز کشور، مربوط به مرز دوغارون، ۳۲ درصد مربوط به مرز میلک در سیستان وبلوچستان و یک درصد هم مربوط به مرز ماهیرود در خراسان جنوبی بوده است.

او ادامه داد: در روز ۱۳ تیرماه که بیشترین خروج اتباع از مرز دوغارون ثبت شده است، ۲۶ هزار مهاجر افغانستانی غیرمجاز از طریق این مرز، ایران را ترک کرده اند. شمقدری در ادامه با اشاره به اخباری که در روزهای گذشته درباره جاسوسی برخی اتباع مطرح شده است، نیز بیان کرد: نمی توانیم بگوییم همه جاسوس هایی که بازداشت شده اند، افغانستانی بوده اند. درمیان بازداشتی ها، هم اتباع ایرانی بوده اند و هم اتباع افغانستانی، اما این را نمی توان تعمیم داد.

معاون امنیتی استانداری خراسان رضوی بیان کرد: فضای افغان ستیزی توسط رسانه های معاند درحال ترویج است. تکریم در اولویت ماست، افغان ستیزی مردود است. ما دو ملت، اشتراکات زیادی داریم، حتی دشمنی مشترک داریم که نباید دشمن مشترک بین ما اختلاف بیندازد.

به دنبال بازگشت عزتمندانه اتباع غیرمجاز به کشورشان هستیم

جعفر سیدآبادی، مدیرکل اتباع و مهاجرین خارجی خراسان رضوی، نیز در همین نشست خبری در جمع خبرنگاران اظهار کرد: روزانه بیش از ۵ هزار قرص نان و ۳۰ هزار وعده غذای گرم در اردوگاه توزیع می شود. به دلیل توقف شبانه برخی افراد، خدمات اسکان و تغذیه دراختیار آنان قرار گرفته و تلاش شده است مدت زمان ماندگاری در اردوگاه به حداقل برسد. با تدابیر اندیشیده شده، فرایند حمل ونقل نیز با سرعت بیشتری در حال انجام است.

او تأکید می کند که جمهوری اسلامی ایران طی بیش از چهار دهه، براساس مبانی دینی و انسانی، میزبان میلیون ها پناهنده بوده است. امروز نیز با فراهم شدن شرایط و افزایش تمایل افراد برای بازگشت به کشور خود، امیدواریم که با عزت و کرامت، بازگشت داوطلبانه این عزیزان را محقق کنیم.

آنچه مشخص است، این است که روزهای شلوغ تری در انتظار دوغارون خواهد بود و توجه به تجربه روزهای گذشته، می تواند زمینه بازگشت عزتمندانه مهاجران افغانستانی را همان طور که مسئولان مربوط بر آن تأکید می کنند، فراهم کند.

عکس: سعید گلی | شهرآرا

scanit
برای مشاهده تصویری این گزارش کد را اسکن کنید

کلنگ زنی و دیگر هیچ!

درباره بزرگ ترین پالایشگاه پلاسمای انسانی که قرار است در مشهد ساخته شود اما گویا بعد از ۴ ماه هیچ پیشرفتی نداشته است

گزارش جیبی

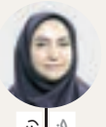

خبرنگار
رعنا جاوید

در باب اهمیت برخورداری از پلاسما همین بس که درمان وکنترل برخی بیماری های مزمن، شدید و تهدیدکننده زندگی، تنها با استفاده از این فرآورده ها امکان پذیر است و با وجود جمعیت چندصدهزارنفری بیماران خاص در کشور، سالانه بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار محصولات پلاسمایی وارد کشور می شود و نیاز به راه اندازی و افزایش تعداد پالایشگاه های پلاسما، ضرورت مهمی است. درکنار دو شرکتی که در تهران آغاز به کار کرده اند و به کار پالایش پلاسما مشغول اند، اسفند سال گذشته کلنگ پالایشگاهی در شهرک صنعتی خادم الرضا(ع) به زمین زده شد که عنوان بزرگ ترین پالایشگاه پلاسمای انسانی در خاورمیانه و شمال آفریقا را بر دوش می کشید. نزدیک به چهار ماه از آن مراسم که با حضور استاندار خراسان رضوی برگزار شده بود، می گذرد و به دلیل تأکیدی که بر راه اندازی آن ظرف مدت دو سال شد، پیگیری ها از روند طی شدن مراحل نشان می دهد که این پالایشگاه همانند بسیاری دیگر از پروژه های صنعتی و اقتصادی در مرحله صفر باقی مانده است. غلامحسین مظفری، استاندار خراسان رضوی، ۲۴ اسفند پارسال در مراسم کلنگ زنی پالایشگاه پلاسمای انسانی امید ملل که قرار است «بزرگ ترین پالایشگاه پلاسمای انسانی در خاورمیانه و شمال آفریقا» باشد، از ایجاد ظرفیت برای حل مشکلات دارویی، پیشگیری از مهاجرت نخبگان و نقطه عطفی در توسعه صنایع مرتبط یاد کرده بود؛ به همین دلیل به سراغ شرکت شهرک های صنعتی رفتیم تا از مدیر پروژه درباره آخرین وضعیت آن بدانیم، اما جست وجوی چندروزه، ما را به فرد خاصی نرساند که پاسخگوی پرسش های ما باشد و از چندوچون پیشرفت پروژه بگوید.

به گفته یک مسئول در شرکت شهرک های صنعتی، مکان پروژه از زمان کلنگ زنی به همان شکل رها شده است؛ زیرا کارگاه تجهیز نشده و هنوز فردی نیز به عنوان مدیرپروژه تعیین نشده است. دو تا سه ماه برای ارائه نقشه زمان دارند که مجوز احداث بگیرند. هرچند که کارشناسان مرتبط با این حوزه معتقدند برای به نتیجه رسیدن این پالایشگاه به دلیل اهمیت فرآورده های آن و دارویی بودن، نیاز به مجوزهای فراوان دارند و زمانی طولانی لازم است اما به دلیل همان بیماران نیازمند به فرآورده های پلاسما به نظر می رسد که متولیان پالایشگاه باید سرعت بیشتری به این کار می دادند تا در همان بازه زمانی تعیین شده دوساله به بهره برداری برسد و وارد چرخه دارویی کشور شود.

چرا پلاسما مهم است؟

داروهای مشتق از پلاسما چندین دسته از درمان های بیولوژیک را تشکیل می دهند. این داروها برای درمان بیماری هایی همچون سرطان ها، اختلالات خونریزی دهنده (هموفیلی A و B)، بیماری همولیتیک جنین و نوزاد، عفونت های شدید، سوختگی و بیماری های کبدی و سایر بیماری های ناشی از نبود یا عدم عملکرد صحیح پروتئین های خاص استفاده می شوند و کیفیت زندگی بیماران را ارتقا می بخشند. گاهی نیز برخی بیماران به اجزای خاص خون نیاز دارند. اغلب مراکز پزشکی برای درمان انواع بیماری ها، از تروما و اختلالات خونریزی گرفته تا نقص ایمنی اولیه و برخی بیماری های نادر، به پلاسمای خون نیاز فوری دارند و از این رو تولید داروهای مشتق از پلاسما، مانند ایمونوگلوبولین (Ig)، فاکتورهای انعقادی و آلبومین به طور مداوم در حال افزایش است و واردات آن ادامه دارد که باتوجه به تحریم ها و موانع اقتصادی، دچار مشکلات بسیار می شود.

یادداشت

گام اول برای تحقق عدالت آموزشی

مهدی قاسمی پور - کارشناس و دکترای برنامه ریزی درسی

عدالت آموزشی، مفهومی فراتر از فراهم آوردن صرفا میز و نیمکت و فضای فیزیکی مدرسه است. یکی از ارکان اساسی و اغلب مغفول مانده این عدالت «زمان آموزش» است؛ مقوله ای که مدیریت بهینه آن، می تواند فرصت های برابری برای رشد و بالندگی همه دانش آموزان به ارمغان آورد. اما آنچه در واقعیت نظام آموزشی کشورمان، به ویژه در مقایسه مدارس دولتی و غیردولتی یا در تمایز میان مناطق شهری و روستایی، به چشم می خورد، تفاوت های فاحش در مدت زمان مؤثر آموزش است. آمار رسمی وزارت آموزش وپرورش گواهی می دهد که میانگین ساعات آموزشی در مدارس ابتدایی دولتی، حدود ۲۲ تا ۲۴ ساعت در هفته متغیر است. در مقابل، بسیاری از مدارس غیرانتفاعی، این میزان را تا ۳۵ ساعت یا حتی بیشتر افزایش می دهند. این بدان معناست که یک دانش آموز در بخش غیردولتی، تا ۴۰ درصد زمان بیشتری را صرف یادگیری دروس پایه ای همچون فارسی، ریاضی و علوم در محیط مدرسه می کند؛ تفاوت فاحشی که از همان آغاز مسیر تحصیلی، شکافی عمیق ایجاد می کند. در سوی دیگر این طیف، وضعیت در مناطق کم برخوردار و محروم، به مراتب نگران کننده تر است. کمبود معلم متخصص، فقدان زیرساخت های آموزشی مناسب و اجبار به برگزاری کلاس ها به صورت فشرده و شیفتی، نه تنها به کاهش ساعات مؤثر آموزش منجر می شود، بلکه کیفیت یادگیری را نیز تحت الشعاع قرار می دهد. این یعنی کودکانی که خود باکمترین امکانات مواجه اند، از زمان یادگیری کمتری نیز برخوردارند. این معضل، به ویژه در دوران ابتدایی و متوسطه اول که شالوده و بنیان اصلی آموزش وپرورش شکل می گیرد، آینده تحصیلی و حرفه ای این دانش آموزان را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد و عملا آنان را ازگردونه رقابت برابر خارج می سازد.

گزارش «عدالت آموزشی در ایران» که در سال ۱۴۰۲ توسط مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی منتشر شد، به صراحت به این نابرابری اشاره می کند. این گزارش، تفاوت در زمان وکیفیت آموزش مدرسه ای را یکی از دلایل اصلی افت عملکرد تحصیلی در مناطق محروم برشمرده است. این شکاف زمانی، در ادامه به تفاوت در شانس قبولی درکنکور، ورود به دانشگاه های معتبر و در نهایت، دسترسی به فرصت های شغلی بهتر منجر می شود و چرخه نابرابری را تداوم می بخشد. برای نیل به آموزش عادلانه، چاره ای جز بازنگری جدی در توزیع زمان آموزش نداریم. تدوین و اجرای استاندارد حداقلی برای ساعات آموزشی در همه مدارس کشور، تأمین معلم کافی و متخصص برای همه مناطق، ارتقای زیرساخت های فیزیکی و فناورانه، و بازنگری هدفمند در تقویم آموزشی، همگی گام های مؤثری هستند که می توانند این شکاف را پر کنند و مسیر را برای تحقق عدالت هموار سازند. در نهایت، مفهوم حقیقی عدالت آموزشی آنجاست که فرصت یادگیری باکیفیت و استاندارد، نه تنها برای دانش آموز ساکن در مناطق برخوردار مشهد، بلکه برای دانش آموزی در دورافتاده ترین روستاهای استان نیز به طور یکسان فراهم باشد. «زمان آموزش»، اگر ناعادلانه توزیع شود، خود به یکی از اصلی ترین عوامل نابرابری تبدیل خواهد شد؛ اما اگر با نگاهی عادلانه و هوشمندانه به آن توجه شود، می تواند سرآغاز تحولی بنیادین و نقطه آغازین برای ساختن آینده ای برابر برای همه فرزندان این سرزمین باشد.

یادداشت

حقوق انسانی در مدرسه رضوی

محمدرضا شهیدی روزنامه‌نگار

تا کلمه «حقوق» بر صفحه می نشیند، بیشتر نگاه ها به حقوق دریافتی یا حقوق قضایی جلب می شود اما حقوق در نظام تربیتی رضوی فقط جنبه حق های مصطلح راکه در رژیم های حقوقی در ماده و تبصره بدان می پردازند، ندارد. حتی فقط ناظر به جنبه های فقهی هم نیست. حق هایی که امام رضا(ع) سیاهه می فرمایند، فهرستی است که برای روشنی زندگی، تنظیم شده است. تنها فیزیکال هم نیست که بشود در هیئتِ «ابزار» تصویرسازی کرد. ابرازی هم هست و قبل ازگفتار نیز البته در بستر پندار رشد یافته است: «إنَّ مِن حَقِّ المُومِنِ عَلَی المُومِنِ: المَوَدَّه لَهُ فی صَدرِهِ، وَالمُواساه لَهُ فی مالِهِ، وَالنُّصرَه لَهُ عَلی مَن ظَلَمَهُ، وإن کانَ فَیءٌ لِلمُسلِمینَ وکانَ غائِباً أخَذَ لَهُ بِنَصیبِهِ، وإذا ماتَ فَالزِّیارَه إلی قَبرِهِ، ولایظلِمَهُ، ولایغُشَّهُ، ولایخونَهُ، ولایخذُلَهُ، ولا یغتابَهُ، ولا یکذِّبَهُ....»؛ امام رضا(ع) می فرمایند: «از حقوق مؤمن بر مؤمن، این است که در دل، او را دوست بدارد، با مالش به او کمک برساند، او را دربرابر کسی که به وی ستم کرده است، یاری دهد، اگر مسلمانان غنیمت و خراجی داشتند و او غایب بود، سهم او را برایش بگیرد، هرگاه درگذشت، تا قبرش او را تشییع کند، به او ستم نکند، با او دغلی نکند، به او خیانت نکند، او را وانگذارد، از او غیبت نکند، دروغگویش نشمارد....». محبت قلبی، اولین قدم است در احقاق این حقوق. این را هم باید به «مودت» ارتقا دهد. توجه داریم که واژه مودت که ازکلمه عربی «ود» گرفته شده است، نوعی احساس عاطفی شدید انسان است، آن هم تنها به اشخاص و نه اشیا. در یک ارتباط دوسویه هم شکل می گیرد. این هم برای بهتر کردن حال جامعه خیلی بیشتر از محبت، مؤثر است؛ چه محبت را به سکه ای مانند می کنند که می تواند یک رو داشته باشد. می تواند یک ابراز حالِ بی پاسخ باشد اما مودت به همان قاعده «کاسه، جایی رود که قدح بازآید»، سلام را با علیکی پرمهرتر پاسخ می گوید. این هم دادوستد دوست داشتن را تکثیر می کند. از فراوانی خُلقی چنین، خَلقی توشه برمی گیرند. همین هم بستر را برای حق دوم فراهم می کند. برای «وَالمُواساه لَهُ فی مالِهِ»: تا مودت حاصل نشود، مواسات نمی تواند درختی پرریشه و شاخه شود که سایه و میوه خود را به دیگران ببخشد. «وَالنُّصرَه لَهُ عَلی مَن ظَلَمَهُ» هم زمانی محقق می شود که مودت و مواسات، غیرتِ برادری را در بازوی افراد به فراوانی برساند تا فوران آن، ظالم را دست و سر وکمر بشکند. همین اهتمام است که در حضور و به ویژه غیاب، نگهداری حقش را چون واجبی مسلم در فکر و ذهن مؤمن رضوی حَکم می کند تا به حُکم آن در نبودنش هم حافظ حقوق و منافع او باشد، به‌گونه ای که حتی مرگ هم نتواند میانشان فاصله اندازد؛ چه زیارت قبر اموات در شمار همان حقوقی است که امام رضا(ع) تحریر و تبیین می فرمایند. به واقع انسان تربیت شده در مکتب رضوی، انسان نسبت به دیگر آحاد جامعه دربرابر «موضوعاتی» چون ظلم و غش و دغل کاری و خیانت و رهاکردگی و غیبت و تکذیب و... «موضعِ» نفی و «لا» دارد. بالا دربرابر این رفتار ها، یقین عملی خود را به «لا»ی محوری که نفی هرچه غیرخداست، تجلی عملی می بخشد. کسی که به «لا» در برابر اله ها رسیده باشد، رفتارش از هر آنچه با خواستِ حضرت «ا...» ناساز باشد، ناسازگار می شود.

عدد خبر

۸۵ هزار نفر

ایسنا| رئیس مرکز مدیریت منابع انسانی وزارت آموزش وپرورش گفت: مجوز استخدام ۸۵ هزار نفر از طریق آزمون استخدامی، مجوز استخدام ۳۰ هزارنفر برای پذیرش در دانشگاه فرهنگیان، مجوز جذب ۳ هزار استعداد برتر، بدون کنکور و بالاخره مجوز جذب ۷ هزارو۳۰۰ نیروی خدماتی در سال جاری صادر شده است. به‌گفته علی باقرزاده، آزمون استخدامی حدود ۳۰ هزار داوطلب خدمت در آموزش وپرورش در مرداد برگزار می شود که ۳۰ درصد نمره آن، مربوط به آزمون مصاحبه است.